

بررسی عوامل مؤثر بر افزایش دروغ در گفتار ، کردار و پندار از اسلام

مریم ربیعی^۱

چکیده

دروغگویی صفت اخلاقی ناپسند است. دین اسلام آنرا مورد نکوهش قرار داده است و دروغگویی را مقدمه هر گناه می داند. شاید هر فرد با شنیدن واژه ی دروغگویی گمان کند این موضوعی روشن است و نیازی به تحقیق نباشد اما با کمی دقت در این موضوع پرسشهای زیادی در ذهن ایجاد می شود که هریک از اینها تحقیقاتی را می طلبند، این اهمیت پژوهش در این زمینه را می رساند. این مقاله به عوامل مؤثر بر افزایش دروغ در گفتار و کردار و پندار می باشد. روش تحقیق این مقاله به صورت تحلیلی نقلی است و شیوه جمع اوری مطالب آن کتابخانه ای است. در این مقاله ابتدا به مواردی از قبیل مفهوم لغوی و اصطلاحی دروغ پرداخته شده و سپس به عوامل افزایش دروغ در دو بخش پرداخته شده است که در بخش اول عوامل افزایشی دروغ برگفتار از قبیل تهمت، منافع شخصی و در بخشی دیگر به عوامل افزایش دروغ بر کردار و پندار مانند: حسد، ریا، نفاق و ... بیان شده که هریک از موارد را به صورت مختصر توضیح داده شد. و در پایان مقاله به ارائه راهکار جهت در امان ماندن از پیامدهای دروغ گویی و مبتلا نشدن به ای ن صفت ناپسند اخلاقی پرداخته ایم.

واژگان کلیدی: پندار ، دروغگویی ، کردار و گفتار

^۱ . تحصیلات : سطح ۲

حوزه: علمیه خواهران حضرت زینب (سلام الله علیها)

پست الکترونیکی : Maryam.rabie.1374.10agmail.com

مقدمه

دروغ گویی در منظر لغوی به معنای کتمان واقعیت است و بیان می کند که واقعیت خارجی برای گوینده ندارد. فرد دروغ گو از طریق دروغ گفتن ضعف های خود را می پوشاند و شنونده را گمراه می کند، در این مقاله به عوامل موثر بر افزایش دروغ در گفتار، کردار و پندار خواهیم پرداخت و منظور از دروغ در گفتار، همان دروغی که خلاف واقعیت از انسان دروغگو به زبان آورده می شود و منظور از دروغ در کردار و پندار، ناهماهنگی ظاهر باطن فرد دروغگو در عمل است. مانند: نفاق. اهمیت پژوهش در این موضوع به این دلیل است که متأسفانه یکی از مشکلات در جامعه کنونی ما این است که افراد به بهانه های مختلف و به راحتی دروغ می گویند و آن را نیز توجیه می کنند. بدون اینکه به فرامین اسلامی توجه داشته باشند، چرا که اسلام دروغگویی را امری ناپسند می داند و آن را مورد مذمت قرار داده است. زیرا دروغگویی عواقبی مانند دور شدن از رحمت الهی و از بین رفتن ایمان را به دنبال خواهد داشت و علاوه بر اینکه ممکن است. مشکلاتی را برای سلامتی روحی و جسمی فرد داشته باشد موجب نابودی خانواده و جامعه نیز می شود؛ لذا در این جا این سوال پیش می آید که اگر دروغگویی ناپسند است، عواملی که باعث افزایش دروغگویی در گفتار و کردار و پندار می شوند کدامند؟ تا از آنها دوری کنیم و از پیامدهای این صفت ناپسند اخلاقی در امان بمانیم. با بررسی در این موضوع متوجه شدیم که تحقیقات فراوانی در این زمینه صورت گرفته و در جمله کتبی که در این زمینه نگاشته شده بود کتب حدیثی مانند بحارالانوار، وسائل الشیعه، اصول کافی که در این کتب تنها به بیان حدیث در این زمینه پرداخته شده است و کتاب اخلاق الهی که نوشته آیت الله مجتبی تهرانی که ایشان در این کتاب به مقوله ی دروغگویی به صورت تکی ذکر کرده و علاوه بر عوامل به آثار آن نیز پرداخته است و همچنین کتاب اخلاق در نهج البلاغه تألیف سید رضی در این کتاب دروغ گویی را تنها از منظر امام علی (علیه السلام) مورد بررسی قرار داده اند. اما در این مقاله قصد بر این است که برای رهایی از دروغگویی به بررسی عوامل دروغگویی در گفتار و کردار و پندار هر کدام به صورت جداگانه از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار داده شوند.

مفهوم شناسی

معنی دروغ در لغت :

دروغ در لغت به معنای سخن نادرست ، خلاف حقیقت و واقعیت، قول ناحق است به معنای نقل گفتاری از کسی است که آن را گفته است ، اصل آن در گفتار است ، گذشته باشد یا آینده وعده باشد یا غیر آن غیر صدق است و خبر از خلاف واقع چه در صورت عهد یا سهو می باشد^۱.

معنای لغوی کذب :

کذب در لغت به معنای خبر دادن از چیزی به خلاف آنچه که هست می باشد .

معنای اصطلاحی کذب:

کذب در اصطلاح یعنی دروغ گفتن در انواع مختلف آن است، مانند دروغ گفتن زبانی، عملی، نسبت درونی دادن به کسی و چیزی خلاف واقع نشان دادن^۲.
دروغ در سنت اسلامی : تعریفی که از دروغ در سنت اسلامی رواج دارد و تقریباً مورد اتفاق اهل لغت، فقها و علمای اخلاق است (خبر خلاف واقع) است.

دروغ در سنت غربی:

در سنت غربی نمی توان ادعا کرد که تعریفی از دروغ مورد توافق هم بوده است . اما تعریفی که می توان گفت: در سنت غربی از بقیه تعاریف شهرت بیشتری دارد، این است : دروغ یعنی دادن خبری که متکلم به نادرستی آن باور دارد به شخص دیگر با این قصد که او باور کند آن خبر درست است^۳.

تعریف دروغ:

دروغ و واژه های معادل آن در زبان عربی از قبیل (کذب) و (إفک)، (افتراء)، به معنای خبر مخالف با واقع به کار می روند در اصطلاح دانشمندان اخلاق و فقیهان و نزد عرف نیز به همین معنا است راستی و صدق نیز که نقطه ی مقابل دروغ است به خبر که مطابق واقع تعریف شده است توجه به این نکته اهمیت دارد که (صدق و کذب) در اصل صفات خبر هستند؛ از همین رو گوینده خبر به اعتبار خبرهایش ، به صفت دروغگویی یا راست گویی

^۱ . سایت : wiki.fegh.ir تاریخ مراجعه ۹۸/۱۱/۵

^۲ . همان

^۳ . همان

متصف می شود. آنگاه که فردی خبری می دهد چنانچه خبرش مطابق واقع باشد صادق و اگر خبرش با واقع مخالف باشد کاذب و دروغگو خوانده می شود.

بنابر این راست و دروغ صفاتی هستند که اولاً و بالذات به خبر مربوط اند و ثانیاً و بالعرض، باتوجه به خبر به گوینده خبر نسبت داده می شوند.^۱

معنای لغوی و اصطلاحی افتراء

افتراء از ریشه (ف- ر- ی) و در اصل به معنای قطع کردن و شکافتن است.^۲

افتراء در قرآن به معنای افک و بهتان نیز آمده است.

و در اصطلاح به معنای از پیش خود یافتن، به دروغ به کسی چیزی نسبت دادن است.^۳

در این صورت افتراء نوعی کذب است، در واقع افتراء دروغ بر ضد دیگران^۴ است.

معنای لغوی و اصطلاحی ریا

ریا از ماده رای به معنی این است که شخص کاری را به انگیزه جلب توجه مردم انجام دهد^۵

و نیز به معنای تظاهر نشان دادن به غیر اوست.^۶

در کل ریا عبارت است از طلب کردن اعتبار منزلت در نزد مردم به وسیله افعال خیر پسندیده

و یا آثاری که دلالت بر صفت نیک می کند منظور از آثار یعنی خود آن فعل، خیر نباشد اما از

طریق آن میتوان پی به امور خیر برد مانند اینکه انسان اظهار ضعف و بی حالی کند تا بفهماند

کم خوراک یا همیشه روزه دار است و ... که مزموم و از گناهان کبیره است.^۷

یا اینکه کار خوب خود طوری نشان می دهد که در ظاهر برای خدا اما در باطن برای غیر خدا

کاری انجام می دهد خواه این کار عبادی باشد مانند نماز یا غیرعبادی باشد مانند انفاق.^۸

^۱ .مجتبی تهرانی، اخلاق الاهی، جلد ۴، آفاق زبان بخش یکم، ص ۸۲.

^۲ .لسان العرب «فری»، ج ۱۵، ص ۱۵۳

^۳ .مجمع البحرین (فری)، ج ۳، ص ۳۹۸

^۴ .الفروق الغویه، ص ۴۴۹۴۵۰

^۵ ابن فارس، معجم مقایس الغه، ج ۲، ص ۴۷۳.

^۶ .قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۰.

^۷ .منبع سایت تبیان. ۲۳/۲/۹۹

^۸ .منبع سایت پرسمان / ۹۹/۲/۱۸

معنای نفاق

نفاق در اصل به معنای دورویی و مخالفت ظاهر با باطن است.^۱
و منافق و دورو کسی است که با زبان چیزی را بگوید ولی نیت واقعی خود را مخفی نگه دارد تا به دیگران زیان و آسیب برساند.^۲

معنای حسد

حسد به معنی آرزو کردن زوال نعمت از کسی و نیز به معنای آرزوی ادامه یافتن فقدان نعمت نقص، فقرو مانند آن برای دیگران است.^۳

معنای گناه

"گناه" عملی است که با اراده و رضایت الهی در تضاد بوده و با ایجاد نوعی تاریکی معنوی در نفس انسان ایجاد می شود.
آدمی را از خدای متعال که نور آسمان ها و زمین است، دور می سازد و به عبارت دیگر، موجب بازماندن وی از کمال و قرب به خدا می گردد.^۴

معنای مکر

مکر وحيله که در محاورات به آن «فریب» و «نیرنگ» نیز می گویند به جهت گسترده مفهوم می، با تعابیر گوناگون همچون «خدعه» و «کید» از آن یاد می شود.
که به جهت مفاسد متعددی که به دنبال دارد، در اسلام به شدت مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است.^۵
به همین دلیل مکر در زبان فارسی به معنای نقشه های شیطانی و زیان بخشی گفته می شود؛ درحالی که در لغت عربی هر نوع چاره اندیشی را مکر می گویند، چه خوب باشد و یا بد و زیان آور.

در مفردات راغب آمده است: «الْمَكْرُ صَرْفُ الْغَيْرِ عَمَّا يَقْصَدُهُ»

^۱. عمید، حسین، فرهنگ عمید، ص ۱۰۶۳

^۲. سید محمد - حسینی، دوچهرگان، ص ۲۴

^۳. سایت راسخان. ۹۹/۲/۲۹

^۴. سایت تبیان، ۱۳۹۹/۳/۱

^۵. سایت صادقین، ۹۹/۳/۱

دروغ گویی و کذب محور اصلی نفاق را تشکیل می دهد اساساً دو گانگی در رفتار و گفتار ، انسان را در ردیف اصل نفاق قرار می دهد و او را از رسیدن به کمال باز می دارد یک انسان مسلمان همواره باید تلاش کند که ظاهر و باطنش یکی بوده و در برخورد با دیگران روراست باشد.^۱

از ویژگی های بارز انسان منافق دروغ است .
لذا در این باره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

« منافق کسی است که هرگاه وعده دهد خلف وعده کند و هرگاه سخن بگوید دروغ بگوید و هرگاه به امانتی به او بسپارد خیانت ورزد.»^۲
و در حدیثی دیگر می فرماید :

« سه چیز در هر که باشد منافق است هر چند روزه بدارد و نماز بخواند حج عمره بگذارد و بگوید من مسلمانم کسی که چون سخنی می گوید دروغ گوید و چون وعده می دهد وفا نکند و چون امانت می گیرد خیانت کند»^۳

اگر از منافقی چیزی درخواست کنی بلافاصله سوگند می خورد و آسان ترین چیز نزد منافقان سوگند خوردن به دروغ است برای مثال اگر غیبت شخصی را می کند و آن شخص بفهمد که غیبتش را کرده ای و به او بگوید که چرا چنین گفته ای ؟ به دروغ قسم می خورد که خدا چنین حرفی نزده ام در صورتی که تو محبوب ترین شخص نزد من هستی لذا خداوند در قرآن کریم هرگاه از نفاق بحث می کند فوراً همراه آن از دروغ بحث می کند و همچنان هرگاه از دروغ بحث می کند بلافاصله از نفاق بحث می کند

چنانچه می فرماید: « وَلِلّٰهِ يَشْهَدُ أَنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ »^۴ خدا گواهی می دهد که منافقان در گفته خود دروغگو هستند .»

دروغ فرقی نمی کند که به صورت جدی یا شوخی یا جدی یا برای قریب و انجام دادن کاری باشد شاخه ای از انفاق است .^۱

^۱ . مکارم شیرازی ، ناصر ، و همکاران ، ص ۱۴۸

^۲ . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار / ج ۷۲ / ص ۲۰۷

^۳ . نهج الفصاحه ، ص ۵۳۸.

^۴ . سوره منافقین

۴. تعارف

یکی از عوامل شایع دروغ گفتن خجالت کشیدن بیجا، یا همان تعارف است .
برای مثال در مجلسی برایمان چایی آورده اند هنگام جمع کردن استکان ها از ما می پرسند
چای میل دارید؟ و ما می گوییم نه میل نداریم درحالی که میل داریم و یا در مهمانی هنگام
رفتن به ما می گویند امشب بمانیدو ما می گوییم نه کار داریم . درحالی که کار نداریم !
در صورتی که می شود تعارف کنیم هم دروغ نگوییم مثل اگر گفتند هم چای میل دارید؟
بگوییم ممنون صرف شد! و یا اگر گفتند : شب بمانید بگوییم نه به اندازه کافی زحمت داده ایم!
در مصداق این مطلب به روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره می کنیم از
پیامبر(صلی الله علیه و آله) پرسیدند: اگر یکی از ما رغبتی باشد و پنهان دارند آیا آن را دروغ
شمردند؟ حضرت فرمود: دروغ را دروغ نویسند، چندان که دروغهای اندک را نیز دروغ اندک
رقم کنند.^۲

تعارف در آیات قرآنی نیز مذموم شده است.
این مسأله تا زمانی که شخص خود را در تنگنا قرار ندهد امری مفید و سازنده است اما هرگاه
موجب شود، تا انسان به دروغ بیفتد و یا تناقض رفتاری و قلبی در وی پدید آید،
از حالت سازندگی و مفید بودن خارج می شود و شکل دروغ و نفاق به خود می گیرد و همچنین
بسیار دیده شده که شخص عباراتی همچون فدایت شوم، قربانت بروم، من مخلصم و
استفاده کرده است که خود شخص با صراحت می گوید ما فقط تعارف کردیم ! و در حقیقت
اینگونه نیست .^۳

۵. مکر و حيله

یکی از مصادیق دروغگویی، مکر زنانه است که در سوره یوسف از زلیخا سخن به میان آمده
است « و هردوبه سوی در، دویدند و پیراهن او را از پشت پاره کرد و در این هنگام ، شوهر آن
زن را کنار در یافتند و آن زن گفت: کیفر کسی که بخواهد به اهل تو خیانت کند جز زندان و
یا عذاب دردناک چه خواهد بود؟ یوسف (علیه السلام) گفت: او را به اصرار به سوی خود دعوت

^۱ .منبع: سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه / ۹۹/۲/۲۹

^۲ . منبع : ناسخ التواریخ، سپهر ، جلد ۲، ص ۶۴۸.

^۳ . سایت تبیان، ۹۹/۲/۲۹

کرد و در این هنگام شاهی از خانواده آن زن شهادت داد که اگر پیراهن او از پشت پاره شده آن راست می گوید و او از دروغگویان است»^۱

نتیجه گیری

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: از دوستی با دروغگو پرهیزید که او همچون سراب است، دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را در نظر تو دور می سازد. به کمک خداوند متعال در این نوشتار به موضوع عوامل موثر بر افزایش دروغ در گفتار، کردار و پندار پرداخته شد. این عوامل در هر جامعه ای نمود پیدا کرده است. و افراد به راحتی به زبان دروغ گشوده و اعتماد جامعه را سلب کرده است. لذا این موضوع به قدری اهمیت دارد که باعث نابودی یک جامعه می شود متأسفانه در جامعه فعلی ما حتی دولتمردان نیز با استخدام دروغ که یکی از عامل های مهم آن منافع شخصی می باشد زندگی خود را پیش می برند و دروغ به واسطه ی همین عامل ها ایجاد می شود. در جامعه ما دروغ گفتن به قدری عادی شده که دامن گیر اکثر افراد است در خانواده ها و فامیل به دلایل و شکل های مختلف از جمله حسادت، چشم و هم چشمی، تهمت و... و در جامعه از جمله نفاق، منافع شخصی و موقعیت های اجتماعی خود را نمایان کرده است. لذا در خلال این مقاله نتیجه گرفتم که سرچشمه همه این عوامل دروغ است و اگر دست از دروغ برداشته شود همه آنها ریشه کن شده و از بین می روند، اگر در جامعه بابت هر دروغی که از طرف افراد گفته می شود تنبیه خاصی صورت بگیرد و این تنبیه جلوی دیدگان همه انجام گیرد، بالطبع دروغ در جامعه ریشه کن خواهد شد و یا به مراتب کمتر خواهد بود در جامعه برای تعلیم آموزش دروغ زمان صرف می شود. اما برای مجازات و تنبیه آن هیچ ایده و راهکاری ایجاد نشده است و این باعث شده حتی دولتمردان که مهم ترین بخش جامعه را تشکیل می دهند به راحتی دروغ بگویند.

^۱.سوره یوسف / آیات ۲۵-۲۶

فهرست منابع

- ۱) تهرانی، مجتبی، اخلاق الاهی، انتشارات: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۰.
- ۲) شیرازی، مکارم، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۳، چاپ ۱۶
- ۳) عسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، نشر قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۵.
- ۴) عمید، حسن، فرهنگ عمید، ناشر: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- ۵) قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ناشر: اسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- ۶) لسان الملك سپهر، محمدتقی، ناسخ التواریخ، نشر: تهران، ۱۳۸۰.
- ۷) هاشمی، سید حسین، اخلاق نهج البلاغه، انتشارات قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم، سال چاپ ۱۳۸۹.
- ۸) آمدی، ابوالفتح، ج ۱، انتشارات قم دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۹ ق.
- ۹) ابن فارس، معجم مقایس الغه، ناشر: مکتب الاعلام اسلامی، محل نشر: قم، سال نشر ۱۴۰۴ ق.
- ۱۰) پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ناشر: سازمان انتشارات جاویدان، سال نشر: ۱۳۲۴.
- ۱۱) جمال الدین، ابو الفضل، لسان العرب، نشر: بیروت، سال نشر ۱۳۷۵ ق، چاپ اول ۱۳۷۵.
- ۱۲) امام خمینی، چهل الحدیث
- ۱۳) جزائری، السید نور الدین، انتشارات: اسلامی جامعه مدرسین حوزه، سال نشر ۱۳۹۸.
- ۱۴) حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، نشر: قم، سال نشر: ۱۲۹۷ ق، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۵) حر عاملی محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مجموع ۳۰ جلد، ناشر آل البيت، ۱۴۱۴.
- ۱۶) ری ش هری، محمد محمدی، میزان الحکمه، نشر: دارالحدیث، ۱۳۸۴.
- ۱۷) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۸) کاشانی، فیض، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، مجموع ۸ جلد، ناشر: جامعه المدرسین، ۱۳۸۳ ق.
- ۱۹) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷.
- ۲۰) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، نشر: بیروت دارالاحیاء، ۱۳۱۵.
- ۲۱) نوری/ میرزا حسین/ مسدرک الوسائل/ مجموع ۲۹ جلد/ ناشر: آل البيت لاحیاء التراث/ سال نشر: ۱۴۰۸ ق سایت ها

تبیان

اطلاع رسانی حوزه.

پرسمان.

راسخون.

رایت الهدی.

صادقین.

Wikifegh.ir